



فلسفه برای زبان شناسان

شیوان چیمین

ترجمه ی حسین صافی پیرلوجه





فلسفه برای زبان‌شناسان

شیوان چپمن

ترجمه‌ی حسین صافی پیرلوجه



کامیو

تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از سهراب طالقانی،

خیابان نیرو، شماره ۷/۱، تلفن: ۷۷۶۲۶۳۷۹

فلسفه برای زبان‌شناسان

شیوان چپمن

ترجمه‌ی حسین صافی

(عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

● چاپ اول ۱۴۰۰ تهران ● شمارگان ۵۰۰ نسخه ● قیمت ۸۶۰۰۰ تومان

● صفحه‌آرا: علی‌اکبر حکیم‌آبادی ● چاپ و صحافی: پردیس دانش

● طراح جلد: مریم اسدی خونساری

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۵۰۰۰۲-۶ ISBN 978-622-7450-02-6

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است Printed In Iran

سرشناسه: چپمن، شیوان، ۱۹۶۸ - م.

Chapman, Siobhan

عنوان و نام پدیدآور: فلسفه برای زبان‌شناسان / شیوا چپمن؛ مترجم حسین صافی پیرلوجه.

مشخصات نشر: تهران: گام نو، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۳۰۶ ص.

فروست: فلسفه.

شابک: 978-622-745002-6

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Philosophy for linguists : an introduction, c2000.

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً با عنوان "از فلسفه به زبان‌شناسی" با همین مترجم و ناشر در

سال ۱۳۸۴ منتشر شده‌است.

عنوان دیگر: از فلسفه به زبان‌شناسی.

موضوع: زبان -- فلسفه

موضوع: Language and languages -- Philosophy

شناسه افزوده: صافی پیرلوجه، حسین، ۱۳۵۵ -، مترجم

رده بندی کنگره: P۱۰۶

رده بندی دیویی: ۴۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۰۹۰۶۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا ۱۳۳۶۰-۸۴م

فهرست

پیش‌گفتار.....	۷
مقدمه.....	۹
فلسفه.....	۱۰
زبان‌شناسی.....	۱۳
دیدگاه کلی.....	۱۶
منابع پیش‌نهادی.....	۱۸
فصل اول: واژه‌ها و چیزها.....	۲۱
فلسفه‌ی کلاسیک.....	۳۰
تجربه‌گرایان انگلیسی.....	۳۷
نام‌ها.....	۴۵
واژه‌ها و چیزها در زبان‌شناسی.....	۶۸
منابع پیش‌نهادی.....	۷۲
فصل دوم: گزاره‌ها و منطق.....	۷۵
گزاره‌ها.....	۷۹
منطق‌صوری.....	۸۳
استلزام و پیش‌انگاری.....	۹۸
منطق و زبان‌شناسی.....	۱۱۶
منابع پیش‌نهادی.....	۱۲۰

فصل سوم: ارزش صدق و واقعیت	۱۲۳
شرایط صدق	۱۲۸
جهان‌های ممکن	۱۵۴
معناشناسی زبانی	۱۶۹
منابع پیش‌نهادی	۱۷۳
 فصل چهارم: گوینده و شنونده	۱۷۷
فلسفه‌ی زبانی ویتگنشتاین	۱۸۳
فلسفه‌ی زبان متعارف	۱۸۹
کارگفت‌ها	۱۹۲
بار منظوری	۱۹۹
معنا و منظور	۲۰۳
تضمن کلامی	۲۰۸
کاربردشناسی	۲۲۴
منابع پیش‌نهادی	۲۳۰
 فصل پنجم: زبان و ذهن	۲۳۵
نشانه‌ها و ساخت‌ها	۲۳۸
تجربه‌گرایی	۲۴۶
فرضیه‌ی فطریت	۲۵۷
زبان‌شناسی تجربه‌گرا و ذهن‌گرا	۲۷۱
منابع پیش‌نهادی	۲۷۶
 کتاب‌نامه	۲۷۹
نمایه	۲۸۷

پیش‌گفتار

هنگامی که در دانشگاه کنت در کاتربری مشغول تدریس زبان‌شناسی و زبان انگلیسی بودم به فکر نوشتن این کتاب افتادم. در آن دوره گاه در کلاس‌هایم به بحث‌های فلسفی اشاره می‌کردم و همین امر به‌طور طبیعی باعث ایجاد تشویش در بعضی دانش‌جویان شده بود. وقتی از من خواستند منبعی را برای مطالعه‌ی بیش‌تر به آنها معرفی کنم، عملاً هیچ کتابی را نیافتم که دقیقاً به کارشان بیاید. پس تصمیم گرفتم کتابی بنویسم. بنابراین، جا دارد از دانش‌جویان خود در دانشگاه کنت تشکر کنم که مرا به نوشتن این کتاب واداشتند. هم‌چنین از همکارانم، تونی بلکس که مشوق من در انتشار کتاب حاضر بود سپاس گزارم.

وظیفه‌ی خود می‌دانم که از هیئت زبان‌شناسی انتشارات راتلج نیز قدردانی کنم که با دقت و اشتیاق تمام و گاه بردبارانه بر مراحل نگارش این کتاب از ابتدا تا انتها نظارت داشتند.

در نهایت، مراتب تشکر ویژه‌ی خود را از کریستوفر راتلج و کاترینا مک فرسون ابراز می‌کنم که به ترتیب، نسخه‌های دست‌نویس اول و دوم را خواندند و به‌دقت درباره‌ی آن نظر دادند. پیش‌نهادهای جزئی و کلی آنان، بسیار راه‌گشا بود و هرگونه کاستی و لغزشی که احتمالاً باقی مانده از خود من است، بی‌تردید پیش از مشورت با ایشان، خطاهایم بسیار بیش از این بود.

مقدمه

کسانی که در رشته‌ی زبان‌شناسی تحصیل می‌کنند در نهایت، دیر یا زود مجبور به خواندن منابع فلسفی خواهند شد. در این منابع ممکن است به طرح موضوع‌ها و مفاهیم عام فلسفی یا آرای يك فیلسوف و يك نحله‌ی فکری معین پرداخته شده باشد. در هر صورت، دانش‌جویان زبان‌شناسی شاید در پی یافتن راهی برای درک ارتباط فلسفه با موضوع‌های زبان‌شناختی مورد علاقه‌ی خود باشند. ولی حتی اگر بدانند که خواندن فلسفه را از کجا باید شروع کرد، احتمالاً درگیر خواندن و فهمیدن آثار پیچیده‌ی فلسفی یا مقدمه‌هایی خواهند شد که در آنها هیچ اشاره‌ای به زبان‌شناسی نشده است. کتاب حاضر دقیقاً برای رفع نیاز این دسته از دانش‌جویان نگاشته شده و هدف از آن معرفی برخی از پیشینه‌های فلسفی و مرتبط ساختن آنها با بحث‌های رایج در زبان‌شناسی است.

عجیب نیست که زبان‌شناسی ارتباط چنین نزدیکی با فلسفه دارد. هرچند زبان‌شناسی رشته‌ی تحصیلی تقریباً جدیدی است، اما بسیاری از اندیشه‌های زبانی رایج در آن، ریشه در دیدگاه‌هایی دارند که دهه‌ها و قرن‌ها پیش از این مطرح شده‌اند. در اصل بسیاری از این عقاید و اندیشه‌ها را فیلسوفان معرفی کرده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که بعضی از حوزه‌های مطالعه‌ی زبان دست‌کم تا حدودی از درون فلسفه سر برآورده و مدت‌ها بعد به مباحث کانونی رشته‌ی نسبتاً نوخاسته‌ی زبان‌شناسی تبدیل شده‌اند. هم‌چنین، مباحث مربوط به ماهیت زبان و به‌خصوص ماهیت معنا که همگی خاستگاه‌های فلسفی دارند در تمام حوزه‌های

مطالعه‌ی زبان به کار رفته‌اند. چنان‌که خواهیم دید، مباحث مذکور حتا مورد توجه کسانی قرار گرفته‌اند که زبان را در درجه‌ی نخست، وسیله‌ی برقراری ارتباط یا نوعی رفتار مخصوص انسان می‌دانند و از این‌رو به بررسی اهمیت کاربرد تحلیل‌های دقیق فلسفی در زمینه‌های مورد علاقه‌ی خود می‌پردازند.

نگارنده با این فرض که خوانندگان هیچ چیز درباره‌ی فلسفه نمی‌دانند، فیلسوفان و مبانی فکری آنها را از ابتدا معرفی کرده است. با این حال، مخاطبان کتاب حاضر کسانی هستند که مباحث تخصصی زبان‌شناسی را دنبال می‌کنند و یا به کلیات این رشته علاقه‌مندند. به همین دلیل، از شرح مفصل آراء و نظریه‌های زبان‌شناختی صرف نظر شده است و فقط در بخش مقدمه به بعضی از این نظریه‌ها اشاره خواهد شد. دنباله‌ی بحث‌ها را می‌توان در کتاب‌هایی که در پایان این بخش پیش‌نهاد شده پی‌گرفت. در ادامه، ابتدا می‌رویم به سراغ فلسفه که در طی کتاب با مباحث آن سر و کار خواهیم داشت. سپس خواهیم گفت که چرا بیش‌ترین حجم کتاب به این‌گونه مسائل اختصاص دارد.

فلسفه

هزاران سال است که آدمی در همه‌جای دنیا به مسائل مختلف فلسفی اندیشیده است. ولی ما در این کتاب، بیش‌تر توجه خود را به آرای فیلسوفان امریکایی و انگلیسی قرن بیستم معطوف خواهیم کرد. مطمئناً منظور ما این نیست که دیگر آثار فلسفی به کار زبان‌شناسان نمی‌آیند و یا اینکه در دیگر زمان‌ها و مکان‌ها هیچ اثر درخور توجهی در باب زبان خلق نشده است. دلیل توجه به این آثار آن است که فلسفه‌ی قرن بیستم در انگلستان و به‌خصوص فلسفه‌ی تحلیلی،^۱ تأثیر آشکار و مستقیمی بر استقلال زبان‌شناسی در مقام یک رشته‌ی تحصیلی داشته است. شاید بتوان به این بهانه که دانش‌جویان زبان‌شناسی بیش‌تر با مباحث مربوط به فلسفه‌ی

تحلیلی روبه‌رو می‌شوند، اتخاذ دیدگاهی چنین محدود را توجیه کرد. بدیهی است که فلسفه‌ی قرن بیستم از هیچ به وجود نیامده است. به همین دلیل اشاره‌ای نیز خواهیم داشت به آثاری که در شکل‌گیری این دیدگاه‌ها مؤثر بوده‌اند. به‌ویژه، آثار باز مانده از یونان باستان و اروپای قرون هفدهم و هجدهم از این دسته‌اند. با وجود این، از مرور دیگر آرای فلسفی مهم در باب زبان که متعلق به دورانی چون قرون وسطا یا مکاتب فلسفی شرق از قبیل فلسفه‌ی هند و چین هستند خودداری خواهیم کرد.

فلسفه‌ی تحلیلی، چنان‌که از نامش پیداست، روی‌کردی است به موضوع‌ها و مسائلی که احتیاج به تحلیل دقیق دارند؛ یعنی، در فلسفه‌ی تحلیلی، مسائل و مفاهیم پیچیده به بخش‌های کوچک‌تر تجزیه یا «شکسته» می‌شوند و به این ترتیب، امکان درک آسان‌تر آنها فراهم می‌شود؛ یا حتا معلوم می‌شود که هیچ مسئله‌ای در میان نبوده است. فلسفه‌ی تحلیلی در ابتدا با روابط منطقی حاکم بر مفاهیم و گزاره‌های مستقل سر و کار داشت. نطفه‌ی این روی‌کرد احتمالاً در آرای گوتلوب فرگه، فیلسوف آلمانی، و در اواخر قرن نوزدهم بسته شده و سپس در انگلستان و در آثار فیلسوفانی چون برتراند راسل نضج یافته است. فلسفه‌ی تحلیلی در اوایل قرن بیستم با روی‌آوردن به بررسی زبان مورد استفاده در فلسفه و بعدها با پذیرفتن خود زبان همچون موضوعی مستقل برای مطالعات فلسفی، اصطلاحاً روندی «زبان‌محور» را در پیش گرفت. این نوع فلسفه‌ی تحلیلی را «فلسفه‌ی زبان»^۱ می‌نامند. فلسفه‌ی زبان اصطلاحی است که به آرای فیلسوفان مکتب «فلسفه‌ی زبان متعارف»^۲ در انگلیس اطلاق می‌شود. جان آستین^۳ و پتر استراوسون^۴ از جمله‌ی فیلسوفانی هستند که در این کتاب به آنها اشاره خواهد شد. تحول دیگری که در فلسفه‌ی قرن بیستم رخ داده و زبان در محور آن قرار

1. Philosophy of language

2. Ordinary Language Philosophy

3. John Austin

4. Peter strawson

داشته، فلسفه‌ی قاره^۱ نام دارد. فلسفه‌ی قاره اغلب در تقابل با فلسفه‌ی تحلیلی مورد بحث قرار می‌گیرد و اصطلاحاً به گونه‌ای از فلسفه اطلاق می‌شود که منشأ آن اروپای بری است. نام فیلسوفانی چون فوکو^۲، لیوتار^۳ و دریدا^۴ با فلسفه‌ی قاره عجین شده است. فنون بیان و مباحثه، شالوده‌ی اسلوب فلسفی این مکتب است که اغلب در سبک نوشتاری اعضای آن نیز متجلی می‌شود. در این روی‌کرد، به مفاهیم ثابت و معانی مشخص اعتقادی نیست و امکان دست‌یافتن به مفاهیم از طریق تحلیل دقیق زبان مورد استفاده در بیان مسائل فلسفی نفی می‌شود؛ زیرا خود زبان نیز قابل تعبیر و تفسیر می‌نماید. این سنت فلسفی تأثیر چشم‌گیری بر نظریه‌پردازی انتقادی داشته است.

به این ترتیب، فلسفه‌ی قاره اکنون کاربرد وسیعی در تمام مباحث مربوط به نقد ادبی دارد ولی ارتباط چندانی با موضوعات زبان‌شناختی پیدا نمی‌کند. در اینجا بیش از این به معرفی فلسفه‌ی قاره نمی‌پردازیم و به علاقه‌مندان توصیه می‌کنیم که برای مطالعه‌ی بیش‌تر در این زمینه به بخش «منابع پیش‌نهادی» رجوع کنند. مباحثه‌ی جان سرل^۵ و ژاک دریدا نشان‌دهنده‌ی تفاوت میان فلسفه‌ی تحلیلی و فلسفه‌ی قاره است. انتقاد دریدا از «نظریه‌ی کار گفت»^۶، پاسخ سرل به این انتقاد و سپس جواب دریدا، نماینده‌ی تفاوت در روی‌کردهای آنان به زبان و دیدگاه‌های فلسفی متفاوت آنهاست. مخالفت دریدا با امکان تحلیل مستدل و بحث معقول، در شیوه‌ی غیر جدی و پیچیده‌ی صحبت‌هایش مشهود است.

یافتن نقاط اشتراک بین فلسفه‌ی تحلیلی و زبان‌شناسی رایج کار دشواری نیست. استدلال منطقی، توجه به جزئیات و تحلیل دقیق کل‌های پیچیده به اجزای سازنده‌شان، هم در زبان‌شناسی و هم در فلسفه‌ی تحلیلی از اهمیت بسیاری

1. Continental Philosophy

2. Foucault

3. Lyotard

4. Derrida

5. John Searle

6. Speech Acts Theory

برخورد دارند. پذیرش تدریجی زبان به عنوان محور واقعی مطالعات فلسفی که بیش تر تحت تأثیر مکتب تحلیلی حاصل شد، یکی از عوامل مؤثر در ظهور رشته‌ی تحصیلی زبان‌شناسی بود.

زبان‌شناسی

برخلاف بسیاری از فیلسوفانی که در قرون مختلف تاریخ زیسته‌اند، برای زبان‌شناسان بدیهی است که زبان طبیعی به تنهایی موضوع مهم و جالبی برای مطالعه است. به منظور نامیدن زبان‌هایی که انسان‌ها به طور طبیعی به کار می‌برند (انگلیسی، اردو، لهستانی...) و تشخیص آنها از زبان‌های مصنوعی (زبان صوری منطق، برنامه‌های کامپیوتری و انواع مختلف رمز گذاری)، عموماً از اصطلاح «زبان طبیعی»^۱ استفاده می‌شود. هرچند ممکن است که این دو نوع زبان ویژگی‌های مشترک زیادی داشته باشند، ولی زبان‌های طبیعی را می‌توان در طبقه‌ای مستقل و مشخص جا داد که وظیفه‌ی توصیف و تحلیل مختصات این طبقه بر عهده‌ی زبان‌شناسان است.

تقریباً هرگونه تعمیمی در مورد زبان‌های طبیعی دچار تناقض خواهد شد؛ چرا که بسیاری از آراء و نظریه‌های رایج در زبان‌شناسی در تضاد با یکدیگر هستند. ما از آنجا که مجبور به فرضیه‌پردازی درباره‌ی زبان‌های طبیعی و نیز ماهیت زبان‌شناسی هستیم، از فرضیاتی استفاده خواهیم کرد که خلاصه‌ی بسیار مختصری از آنها در سه بند زیر آمده است. با وجود این، قصد نداریم که در کتاب حاضر، مفاهیم فلسفی را با نظریه‌ی زبان‌شناختی خاصی مرتبط کنیم. به همین دلیل، در بخش پایانی هر فصل از دیگر نظریه‌های زبانی نیز استفاده خواهیم کرد. طبق یکی از این نظریه‌ها، ویژگی‌های زبان طبیعی را می‌توان در سه حوزه‌ی واج‌شناسی، معناشناسی و نحو توصیف کرد. در توصیف واج‌شناختی يك زبان،

چگونگی آرایش آواها و رابط‌های آنها با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در معناشناسی به بررسی معنای واژه‌های موجود در یک زبان و هم‌چنین معانی حاصل از ترکیب‌های مختلف این واژه‌ها با یکدیگر پرداخته می‌شود. در حوزه‌ی نحو، شیوه‌های مختلف قرارگرفتن واژه‌ها در کنار یکدیگر بررسی می‌شود؛ تا قواعد ساخت جملات به دست آیند. این سه حوزه کاملاً جدا و مستقل از یکدیگر انگاشته می‌شوند، ولی در کنار هم، دستور زبان را می‌سازند. می‌توان گفت که دستور هر زبان دانشی است که باید از آن زبان داشته باشیم تا بتوانیم بگوییم که آن را «بلد هستیم». زبان‌شناسان در پی ارایه‌ی الگویی منطبق با دستور زبان هستند که بتوان آن را در توصیف یک زبان خاص به کار برد.

دستور زبان در این نظریه‌ی زبان‌شناختی، دستور زایشی^۱ خوانده می‌شود. زیرا متشکل از مجموعه‌قواعدی معین برای زایش یا تولید تمام جملات درست یک زبان خاص است. به این ترتیب، زبان را می‌توان مجموعه‌ای از جملاتی دانست که همگی حاصل عمل کرد قواعد موجود در دستورند و به همین دلیل جملاتی دستوری به شمار می‌آیند. زبان مجموعه‌ای نامتناهی از جملات است؛ زیرا برای مثال، هیچ‌گاه نمی‌توان تمام جملات زبان انگلیسی را فهرست کرد. با این حال، تمام جملات یک زبان، حاصل عمل کرد قواعد معدودی هستند و دست‌کم به لحاظ نظری می‌توان آنها را در فهرستی بسته جا داد. دستور هر زبان طبیعی دارای دو نوع قاعده است: یکی قواعد زایشی،^۲ و دیگری قواعد گشتاری.^۳ قواعد زایشی، ژرف‌ساخت‌ها^۴ را تولید می‌کنند. در سطح ژرف‌ساخت، معنا یا صورت منطقی تعیین می‌شود. پس از عمل کرد قواعد گشتاری بر ژرف‌ساخت، روساخت‌ها^۵ حاصل می‌شوند. جزئیات ساختاری و ترتیب توالی واژه‌ها در سطح روساخت تعیین می‌شود.

1. generative

2. generative rules

3. transformational rules

4. deep structures

5. surface structures

توصیفی که گزیده‌ای از آن ذکر شد تا حد زیادی برگرفته از آرای نوام چامسکی^۱، زبان‌شناس امریکایی است که در فصل پنجم به شرح آنها خواهیم پرداخت. چنان‌که خواهیم دید، چامسکی از اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ تا کنون نظریه‌های مهمی را در خصوص زبان معرفی کرده است. با وجود این، سابقه‌ی بعضی از اصول حاکم بر زبان‌شناسی امروز که حتا از سوی مخالفان زبان‌شناسی چامسکیایی نیز پذیرفته شده است، به اوایل قرن بیستم می‌رسد. برای مثال چارلز موریس^۲ در ۱۹۳۸ اظهار کرد که می‌توان در چند شاخه‌ی جداگانه به مطالعه‌ی زبان پرداخت. نکته‌ی مهم‌تر این است که او معتقد بود که مطالعه‌ی نحو باید کاملاً مستقل از معناشناسی و شامل «قواعد ساخت»^۳ و «قواعد گشتاری» باشد. البته مفهوم جدایی صورت منطقی «زیرین»^۴ یک جمله — که جایگاه اصلی تعیین معناست — از «روساخت» یا صورت دستوری آن جمله دارای سابقه‌ای حتا طولانی‌تر از این است. همان‌طور که خواهیم دید، مفاهیمی از این دست را می‌توان در آثار فیلسوفانی چون برتراند راسل^۵ و لودویگ ویتگنشتاین^۶ یافت.

در این کتاب با چگونگی تأثیر اندیشه‌های فلسفی بر مفاهیم موجود در دستور زبان‌های طبیعی تا حدودی آشنا خواهیم شد؛ نحو و معناشناسی را بیش‌تر مورد توجه قرار خواهیم داد و رابطه‌ی بین فلسفه و واج‌شناسی را هم به‌طور غیر مستقیم بررسی خواهیم کرد. البته همه‌ی زبان‌شناسان سرگرم مطالعه‌ی دقیق نحو، معناشناسی یا واج‌شناسی زبان‌های طبیعی نشده‌اند؛ زیرا هرچند این سه حوزه هسته‌ی توصیف‌های زبانی به حساب می‌آیند، ولی از چگونگی تأثیر بافت موقعیتی بر گفتار و منظور مردم و یا پی‌آمدهای ناشی از کاربرد زبان، در این حوزه‌ها هیچ سخنی به میان نمی‌آید. مباحثی از این دست، در شاخه‌هایی از زبان‌شناسی مانند کاربردشناسی، تحلیل

1. Noam Chomsky

2. Charles Morris

3. formation rules

4. underlying

5. Bertrand Russell

6. Ludwig Wittgenstein

گفتمان و جامعه‌شناسی زبان مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این کتاب به تأثیرات فلسفه بر این حوزه‌ها نیز علاوه بر تأثیرات آن بر سه حوزه‌ی اصلی مطالعه‌ی زبان، توجه خواهیم داشت.

دیدگاه کلی

حتا در محدوده‌ای چنین کوچک نیز حجم عظیمی از آثار فلسفی مربوط به زبان‌شناسی وجود دارد. آنچه در این کتاب خواهیم خواند، به‌ناچار تنها گزیده‌ای خواهد بود از آرای فیلسوفان مختلف. هر يك از پنج فصل کتاب لزوماً به يك موضوع فلسفی گسترده اختصاص دارد. علت انتخاب فیلسوفانی که به ذکر عقایدشان خواهیم پرداخت این است که یا نقش بسیار مهمی در ایجاد تفکرات زبان‌شناختی داشته‌اند و یا می‌توان آنها را نماینده‌ی جریان‌های فکری رایج در زبان‌شناسی دانست. از پرداختن به بسیاری از مباحث دیگر در اینجا خودداری شده است؛ زیرا بررسی مباحث مختلف فلسفی یا حتا شناخت آرای يك فیلسوف خاص در این مجال نمی‌گنجد.

تمام فصل‌های کتاب دارای ساختار کلی یکسانی هستند. در ابتدای هر فصل، بعضی از مسائل یا مباحث عام زبانی مطرح می‌شوند. این‌ها مباحثی هستند که به زبان‌شناسان نیز مربوط می‌شوند؛ چرا که زبان طبیعی را به‌تهدایی در کانون توجه خود قرار می‌دهند. بیش‌ترین حجم هر فصل به طرح دیدگاه‌های فیلسوفانی اختصاص یافته که به بحث درباره‌ی این مسائل پرداخته‌اند. اندیشه‌های مخالف و گاهی موافق نیز با یکدیگر مقایسه شده‌اند. در پایان هر فصل مباحثی که بر دانش ابتدایی ما از موضوع‌های مطرح شده در اول فصل افزوده‌اند و هم‌چنین تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم این مباحث بر شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی امروزی ارزیابی می‌شوند. علاوه بر این، هر فصل دارای بخشی به نام منابع پیش‌نهادی است که خواننده برای مطالعه‌ی بیش‌تر در زمینه‌ی مهم‌ترین مباحث مطرح شده در آن فصل می‌تواند به آنها مراجعه کند. این بخش، هم منابع اصلی مورد استفاده در هر فصل و هم منابع مقدماتی یا تخصصی وابسته به آنها را شامل می‌شود. محور همه‌ی مباحث این کتاب را می‌توان ماهیت معنا دانست. معنا در تمام

شاخه‌های فلسفی مربوط به مطالعه‌ی زبان اهمیتی اساسی دارد. در این صورت، علاوه بر آرای فیلسوفان زبان، آرای تمام کسانی که در زمینه‌ی فلسفه‌ی ریاضیات، منطق، دانش و تفکر فعال بوده‌اند و از اندیشیدن درباره‌ی زبان رشته‌ی تخصصی خود، اهداف خاصی را دنبال می‌کردند نیز باید مورد توجه قرار گیرد. سؤال‌هایی که فیلسوفان با آنها مواجه بوده و هنوز هم هستند، عموماً و در درجه نخست، از جنس «معنای این کلمه چیست؟» نیستند. بلکه، فیلسوفان می‌خواهند بدانند اینکه چیزی به معنای چیز دیگر است و به‌خصوص اینکه بخشی از نظام زبان به معنای چیزی در خارج از این نظام است، یعنی چه. رابطه‌ی بین پدیده‌های زبانی و غیر زبانی، در کانون همه‌ی تلاش‌ها برای توصیف زبان جای دارد.

این کتاب را در فصل اول با بررسی پیشینه‌ی اساسی‌ترین نوع این رابطه، یعنی رابطه‌ی بین واژه‌ها و چیزها آغاز خواهیم کرد و بحث‌های فیلسوفان را از دوران باستان تا کنون درباره‌ی اینکه چگونه يك واژه می‌تواند به معنای «چیزی» یا «مفهومی» باشد، از نظر خواهیم گذراند و به بررسی تأثیر آرای آنان بر معناشناسی واژگانی خواهیم پرداخت. در فصل دوم موضوع‌های وسیع‌تری را معرفی خواهیم کرد و علاوه بر معنای کلمات، معنای جملات را با توجه به گزاره‌های نماینده‌شان در نظر خواهیم گرفت. هم‌چنین، اهمیت منطق بنیادین متشکل از روابطی مانند استلزام^۱ و پیش‌انگاری^۲ را در زبان‌شناسی شرح خواهیم داد. در فصل سوم، چندان به روابط بین جملات زبان نخواهیم پرداخت، بلکه به رابطه‌ی جملات با واقعیت و به‌خصوص به رابطه‌ی بین معنا و واقعیت توجه خواهیم داشت و راه‌های مختلفی را که فیلسوفان و در پس آنها زبان‌شناسان برای تعیین «صدق» یا «کذب» جملات یا گزاره‌ها پیش‌نهاد کرده‌اند معرفی خواهیم کرد.

در فصل چهارم موضوع بحث گسترده‌تر می‌شود و نه تنها زبان، بلکه کاربرد آن را در بافت‌های مختلف در بر می‌گیرد. در آنجا خواهیم دید که به‌کار بردن جملات

1. entailment
2. presupposition

خبری که بتوان «صدق» یا «کذب» آنها را تعیین کرد، تنها یکی از کارهای فراوانی است که سخن‌گویان به واسطه‌ی زبان انجام می‌دهند و به این ترتیب، خواهیم دید که برای به دست‌دادن توصیفی کامل از زبان باید دست به کاری فراتر از تعیین ارزش صدق گزاره‌ها زد. علاوه بر این، خواهیم گفت که روابط منطقی از قبیل استلزام، به‌تنهایی برای توضیح راه‌های پیچیده‌ی تولید و درک زبان کافی نیستند. روابط دیگری نیز چون انواع مختلف «تضمن»^۱ وجود دارند که ظاهراً از نوع روابط منطقی نیستند ولی بسیار بهتر از استلزام نشان می‌دهند که در جریان گفت‌وگوها چه روی می‌دهد. در همین فصل شاخه‌ای از فلسفه‌ی تحلیلی را به نام فلسفه‌ی زبان متعارف از نظر خواهیم گذراند و خواهیم دید که این فلسفه چگونه در پیدایش کاربردشناسی مؤثر بوده است.

فصل پایانی به رابطه‌ی بین زبان و ذهن اختصاص دارد. هم فیلسوفان و هم زبان‌شناسان در این خصوص بسیار بحث کرده‌اند. ما در این میان بیش‌تر به بررسی مجادلات بین «رفتارگرایان»^۲ و «فطری‌گرایان»^۳ که بر سر زبان درگرفته خواهیم پرداخت. مجادله‌ی این دو گروه به‌طور کلی بر سر این بود که آیا زبان را باید نوعی رفتار مشهود در جامعه به شمار آورد؛ یا دانشی کامل در نزد هر فرد. خواهیم دید که این دو دیدگاه فلسفی چه نقشی در پیدایش «تجربه‌گرایی»^۴ و «ذهن‌گرایی»^۵ در زبان‌شناسی داشته‌اند. برای تبیین فرایند زبان‌آموزی و فراتر از آن، توضیح ماهیت خود زبان نظریه‌های مختلفی در چهارچوب هر یک از سنت‌های تجربه‌گرایی و ذهن‌گرایی ارائه شده است.

منابع پیش‌نهادی

کتاب مقدماتی گلاک (← ۴۸)، مباحث جانبی مربوط به پیدایش فلسفه‌ی تحلیلی و

-
1. Implicature
 2. Behaviourists
 3. nativists
 4. empiricism
 5. mentalism

تعاریف مختلف آن را پیشِ رو می‌نهد. گلاک معتقد است که گرایش به مطالعه‌ی زبان را نمی‌توان ویژگی منحصر به فلسفه‌ی تحلیلی دانست؛ چرا که اصطلاحات زبان‌شناختی غالباً در فلسفه‌ی قاره نیز به چشم می‌خورند. این کتاب که متشکل از مجموعه مقالاتی در زمینه‌ی فلسفه‌ی تحلیلی است، اختلاف‌های موجود بر سر تعریفی مناسب از این روی‌کرد و اهمیت آن به‌خوبی نشان داده شده است. دامت (← ۳۷) با تکیه بر آرای ویتگنشتاین، مجموعه‌ای از مقالات تخصصی را درباره‌ی فلسفه‌ی تحلیلی ارایه کرده است. او در این مجموعه به رابطه‌ی زبان و تفکر توجه خاصی داشته است.

در بیش‌تر آثار مقدماتی در باب فلسفه‌ی قاره، اغلب به کاربرد این نگرش در نقد ادبی پرداخته شده است. به‌خصوص فصل چهارم از کتاب ایگلتون (← ۳۸) و نیز فصل چهارم از کتاب سلدون (← ۱۱۸) به نقش فلسفه‌ی قاره در نقد ادبی اختصاص دارند. مناظره‌ی دریدا و سرل را می‌توان در مجله‌ی گلیف (۱۹۷۷) یافت. تمام دیدگاه‌های دریدا در این مناظره در مجموعه‌ی سهل الوصول‌تر لیمیتد اینکورپوریشن (۱۹۸۸) گرد آمده‌اند.

اولین کتاب چامسکی (← ۲۱) معرف گونه‌ای از زبان‌شناسی است که قبلاً از آن سخن به میان آمد. چامسکی در این کتاب کم‌حجم، خصوصاً به معرفی دستور گشتاری پرداخته است. اوگریدی و همکاران (← ۹۳) و هم‌چنین اسمیت و ویلسون (← ۱۲۱) به معرفی زبان‌شناسی نوین پرداخته‌اند. هاگمن (← ۵۹) و ردفورد (← ۹۹) دستور گشتاری را به‌طور مفصل شرح داده‌اند. چارلز موریس که پیش از این هم به او اشاره شد، در مقاله‌ای با عنوان «پایگاه‌های نظریه‌ی نشانه‌ها» (← ۹۲) به طرح دیدگاه‌های خود در خصوص شیوه‌ی مطالعه‌ی زبان پرداخته است. در فصل‌های دوم و سوم از کتاب حاضر با آرای راسل و ویتگنشتاین آشنا خواهیم شد.

